

## دین ابراهیم و فلسفه اجتماعی اسلام



توحید زیر بنای اسلام رامیسازد ، چنانکه قرآن تعلیم میدهد :  
«هرکس اسلام آورد و تسلیم خدا گردد و نیکوکاری پیشه سازد ،  
نیکوکار شناخته میشود . اجر و پاداش او نزد خدا محفوظ است»<sup>۱</sup>  
بنابراین ، ایمان باسلام ، انسان را به نیکوکاری رهبری میکند و از رفتار زشت باز  
میدارد . اسلام از ماده «سلم» است ، یعنی : «فارغ شدن» که برای تعدیه آنرا بیاب  
افعال برند و اسلام خوانند . اسلام مصدر «اسلم یسلم» است ، مراد از آن قبول اطاعت  
کردن و گردن نهادن بفرمان است . دوشریعت مراد از اسلام گردن نهادن به دین حق و  
اطاعت از دستورهایی خداست .

السلم والمسالمة یعنی : «آشتی ، نظیر : انا سلم لمن سالمنی» مراد اینست که «من  
در آشتی هستم با کسی که با من در صلح و آشتی است» ، یا آیه ای از قرآن نظیر : «ادخلوا  
فی السلم کافه» ، یعنی : «همگی وارد صلح و آشتی گردید» .  
معنی ، سلم ، و سلامه و سلاماً ، از عیب آفت پاک بودن و نجات یافتن و دوری از  
بلاست .

مراد از «تسلیم» که ماضی و مضارع آن «سلم یسلم» است راضی شدن و گردن  
نهادن بامری است که بشخص رجوع شده است ، و معنی دیگر آن «پذیرفتن و  
بخشیدن» است .

سالمة از درآشتی درآمدن است و «تسلیم» مسلمان گردیدن . تسالم از درآشتی  
درآمدن و بایکدیگر همکاری کردن است .

استسلام قبول فرمان کردن بی چون و چرا و مراد از آن اطاعت و انقیاد است . اسلم -  
الرجل واسلم امره الی الله یعنی : «آن مرد از در صلح درآمد و کار خود را بخدا سپرد»  
الاسلام یعنی گردن نهادن بفرمان بدون چون و چرا .

نتیجه آنکه مراد از اسلام وا گذاشتن ورها کردن و فرو گذاشتن امور گذشته است  
و سپردن کار خود بخدا و از درآشتی درآمدن و داخل صلح گشتن است . در هر حال  
باید معنی اسلام را از آیات قرآن بدست آورد تا مفهوم حقیقی آنرا دریافت و گرفتار  
ترکیبات لغوی و معنی واحد نگشت .

برای اسلام در قرآن مفهومی بس جالب است که از نظر تعریف اسلام ارزش فراوان  
دارد . قرآن اسلام را «دین ابراهیم» میداند :

\* آقای دکتر منوچهر خدایار محبی : استاد دانشکده الهیات دانشگاه تهران .

«ای کسانی که ایمان آوردید، رکوع و سجود کنید و پروردگار خود را بندگی کنید و کارنیکو بجا آورید باشد که رستگار شوید، در راه خدا جهاد کنید و حق جهاد را برای او بجا آورید. او شما را برگزید و در تمام دین و تکلیف بر شما مشقت قرار نداد (اسلام) دین پدر شما ابراهیم است. او شما را از پیش مسلم نام نهاد،<sup>۱</sup> کیست بهتر دین دار از آنکه بخدا روی آورد (اسلم)،<sup>۲</sup> اونیکو کار و پیرو آئین ابراهیم حق گرای است. خدا ابراهیم را دوست قرار داد.<sup>۳</sup>

ابراهیم نه یهودی بود و نه نصرانی ولی پیرو حق و مسلمان بود و از شرك بهره ای نداشت<sup>۴</sup> خدا ابراهیم گفت: منقاد شود (اسلم) گفت: فرمانبردار پروردگار جهان گشتم و باین امر ابراهیم و یعقوب پسران خود را سفارش کردند که خداوند برای شما دین قرار داد، پس نباید مرگ شما را دریابد مگر اینکه مسلمان باشید.

آیا گواه بودید چون یعقوب را مرگ نزدیک شد به پسرانش گفت: بعد از من چه می پرستید؟ گفتند: خدای تو و خدای پدرانت ابراهیم و اسمعیل و اسحق را می پرستیم که خدائی یکتاست و ما او را فرمانبرداریم (مسلمان هستیم)<sup>۵</sup>

بگوئید ایمان آوردیم بخدا و آنچه برای ما فرستاد و آنچه به ابراهیم و اسمعیل و اسحق و یعقوب و اسباط فرستاد و آنچه داد موسی و عیسی را و آنچه ارزانی شد از پروردگار به پیغمبران، تفاوت میان هیچکدام نیست و ما او را فرمانبرداریم (مسلمان هستیم)<sup>۶</sup>

عیسی گفت: مایاران خدائیم، بخدا ایمان آوردیم و گواه باش که ما فرمانبرداریم (مسلمان میباشیم)<sup>۷</sup>

باین ترتیب دین محمد صلی الله علیه و آله و پیغمبران گذشته «اسلام» است که دین ابراهیم را تشکیل میدهد. نجات در داشتن عنوان یهودی و ترسائی نیست بلکه در واگذاری و تسلیم خود بخداست.

(۱) سورة الحج ۲۲ و ۷۶: یا ایها الذین آمنوا، ارکعوا واسجدوا واعبدوا ربکم و افعلوا الخیر لعلکم تفلحون؛ وجاهدوا فی الله حق جهاده، هواجتیکم و ما جعل علیکم فی الدین حرج ملاءیکم ابراهیم هوسیکم المسلمین من قبل.

(۲) سورة النساء ۱۲۵: من احسن دیناً من اسلم وجهه لله و محسن و اتبع مله حنیفاً و اتخذ الله ابراهیم خلیلاً

(۳) سورة آل عمران ۶۷: ما کان ابراهیم یهودیاً ولا نصرانیاً و لکن کان حنیفاً مسلماً و ما کان من المشرکین.

(۴) سورة البقره ۱۳۵-۱۳۲: اذ قال لعلیه اسلم، قال اسلمت لرب العالمین، ووصی بها ابراهیم بنیه و یعقوب یا بنی ان الله اصطفی لکم الدین فلا تتوتن الا و اتتم مسلمون....

(۵) سورة البقره ۱۳۸: قولوا آمنا بالله و ما اتزل الینا و ما اتزل الی ابراهیم و اسمعیل و اسحق و یعقوب و الاسباط و ما اوتی موسی و عیسی و ما اوتی النبیون من دینهم لانفرق بین احبناهم و نحن له مسلمون.

(۶) سورة آل عمران ۶۳: قال: من اصاری الی الله و قال الحواریون نحن انصار الله آمنا بالله و اشهد باننا مسلمون.

## در قرآن نوشته است :

«گویند هرگز کسی داخل بهشت نگردد مگر آنکه یهودی یا ترسا مذهب باشد، این آرزوی ایشان باشد. بگو : دلیلتان رابیاورید. اگر راست میگوئید. آری آنکس که روی خود را بخدا گرداند (اسلم) او نیکوکار است و برای او مزدی نزد پروردگارش میباشد نه بیمی برایشان راه یابد و نه اندوهناک شوند.»<sup>۱</sup>

«آنان که از آن پیش، ایشان را کتاب دادیم بآن ایمان میآوردند و چون برایشان خوانده شود، گویند : ایمان آوردیم بآن، آن حق است از طرف پروردگار ما . ما پیش از این مسلمان بودیم<sup>۲</sup>

«با اهل کتاب مجادله نکنید مگر آنچه که آن بهتر است. مگر آنانکه از ایشان ستم کردند و بگوئید ایمان آوردیم آنچه که بما و شما نازل فرمود و خدای ما و خدای شما یکیست و ما او را منقادیم (مسلم)<sup>۳</sup>

در اینصورت باید «دین ابراهیم» را شناخت تا مفهوم اسلام را بهتر بدست آورد . «تنها از بین امتی، ابراهیم فرمانبردار خدا بود و از مشرکان نبود، نعمتهای خدا را سپاسگذار بود، خدا او را به پیامبری برگزید و براه راست هدایت کرد. در دنیا او را نیکوئی بخشیدیم و در آخرت از نیکوکاران قرار دادیم ، سپس بتو وحی کردیم که از کیش ابراهیم حق گرای پیروی کن که از مشرکان نبود»<sup>۴</sup>

برای ایشان خبر ابراهیم را بخوان. چون گفت پدرش و قوم خود را ، چه میپرستید ؟ گفتند : بتها را پرستش میکنیم و به پرستش آنها ثابت میباشیم . گفت : هنگامی که آنها را بخوانید سخن شما را می شنوند ؟ و یا برای شما سود و ضرری دارند ؟ گفتند : پدران خود را یافتیم که چنین میکردند .

گفت : آیا میدانید آنچه که شما اکنون می پرستید و پدرانتان از پیش می پرستیدند، من با پرستش آنها دشمن و مخالفم ، غیر از خدای

(۱) سورة البقره ۱۱۳۲ - ۱۱۲ : قالوا : ليزيدخل الجنة الامن كان هوذا او انصاري تلك امانهم. قل : هاتوا برهانكم ان كنتم صادقين . بلى من اسلم وجهه لله وهو محسن فله اجر عند ربه ولا خوف عليهم ولا هم يحزنون .

(۲) سورة القصص ۴۵:۲۸ - ۵۳ : الذين اتيناهم الكتاب من قبله هم يدعونون : و اذا يتلى عليهم، قالوا : آما بهانه الحق من ربنا انا كنا من قبله مسلمين.

(۳) سورة النكبوت ۴۶:۲۹ : ولا تجادلوا اهل الكتاب الا بالتي هي احسن الا الذين ظلموا منهم و قولوا : آما بالذي انزل الينا و انزل اليكم و الهنا و الهكم واحد ونحن له مسلمون .

(۴) سورة نحل ۱۲۰:۱۶ - ۲۲ : ان ابراهيم كان امقانتا لله حنيفا ولم يك من المشركين . شاكرا لانعمه اجته وهداية الى صراط مستقيم و آتينا في الدنيا حسنة و انه في الاخرة لمن الصالحين . ثم اوحينا اليك ان اتبع ملقا ابراهيم حنيفا و ما كان من المشركين .

یکتا که مرا بیافرید، همان خدائی که هدایت میکند<sup>۱</sup>  
 ابراهیم بقوم خود گفت: خدا را پرستید و از او بهره‌زید برای  
 شما بهتر است. آنچه غیر از خدای می‌پرستید، بت‌های جامدی بیش  
 نیستند که بدروغ نام خدا بر آنها نهاده‌اید<sup>۲</sup>  
 یاد کن در کتاب خود ابراهیم را که شخص بسیار راستگو و پیغمبری  
 بزرگ بود. هنگامیکه پدرش را گفت: ای پدر من، چرا می‌پرستی  
 آنچه را که نمیشنود و نمی‌بیند و تو را از چیزی بی‌نیاز نمیسازد؟  
 ای پدر من، مرا دانشی داده‌اند که بتو نیاموخته‌اند، مرا پیروی کن  
 تا ترا براه راست هدایت کنم، ای پدر من، شیطان را پرست زیرا  
 شیطان نسبت بخداوند رحمان نافرمانی کرده است، ای پدر، من  
 می‌ترسم که تو را از خداوند عذابی رسد و یار و یاور شیطان گردی.  
 پدرش گفت: ای ابراهیم آیا تو از خدایان من روی گردان شده‌ای،  
 چنانچه از مخالفت با بتان باز نایستی ترا سنگسار کنم. مدتی از من  
 دوری کن.

ابراهیم گفت: سلام بر تو. از پروردگار برای تو آمرزش می‌خواهم  
 زیرا خدای من بسیار بمن مهربان است. از شما و آنچه جز خدا  
 می‌خوانید دوری می‌کنم. پروردگارم را می‌خوانم، زیرا بخواندن  
 پروردگار خود بدبخت نیستم<sup>۳</sup>

ابراهیم بپدرش و قومش گفت: این مجسمه‌های بی‌روح چیست که  
 شما عمری به پرستش آنان متوقف شده‌اید. گفتند: پدرانمان را  
 یافتیم که آنها را پرستش میکردند. گفت: براستی شما و پدرانتان  
 در گمراهی آشکار بوده و هستید. گفتند آیا برای ما حقیقت را  
 آورده‌ای یا بیازی می‌گیری؟ ابراهیم گفت: پروردگار شما پروردگار  
 آسمانها و زمین است که آنها را آفریده. من بر این سخن گواهی  
 میدهم. بخدا قسم با هر تدبیری باشد بت‌های شما را درهم می‌شکنم،

(۱) سورة الشعراء ۲۶-۶۹-۷۶ : و اتل علیهم نبیا ابراهیم . اذ قال لایبه وقومه ماتعدون ؟ قالو نعبد  
 اصناماً فنظلل لها عاکفین . قال : هل یسمونکم اذ تدعون او ینضعونکم او یضرون قالوا : بل وجدنا آباءنا کذا لک  
 یفعلون . قال : افرایتم ما کتمت تعدون انتم و اباکم الا قدعون .

(۲) سورة المذکبوت ۱۸-۲۹-۱۶ : و ابراهیم اذ قال لقومه اعبدوا الله واتقوه ذالکم خیر لکم ان کتمت  
 تعلمون . اما تعدون من دون الله اوتاناً و تظنون ان الذین تعدون من دون الله لایملکون لکم رزقا  
 فابتغوا عند الله الرزق و اعبدوه و شکروا له الیه ترجعون وان تکذبوا فقد کذب امم من قبلکم و ما علی الرسول  
 الا البلاغ المبین .

(۳) سورة مریم ۱۹-۴۸-۴۱ : و اذ کرفی الکتاب ابراهیم انه صدیقاً نبیا اذ قال لایبه یا ایت لم تعد  
 ما لایسمع و لایبصر و لایفنی عنک شیاً یا ایت انی قد جاءنی من العلم ما لم یاتک فاتبعنی اهدک صراط سوياً . یا ایت  
 لا تمید الشیطان ان الشیطان کان للرحمن عسیا . یا ایت انی اخاف ان یمسک عذاب من الرحمن فتکون  
 للشیطان ولیا . قال ، ارغب انت عن الهتی یا ابراهیم لئن لم تنته لارجمنک و اهجرنی ملیا . قال سلام علیک  
 ساستغفرک ربی انه کان بی خفیاً و اعترلکم و ماتعدون من دون الله و ادعوا ربی عسی الا اکون بدعاء ربی شقیاً .

پس به بتخانه رفت و بتها را درهم شکست، مگر بت بزرگ آنها را، تا باو رجوع کنند. قوم ابراهیم چون بازگشتند، گفتند: چه کسی این کار را با خدایان ما کرد، برآستی که از ستمکاران است. گفتند: جوانی را شنیدیم که از آنها بیدی یاد میکرد و باو ابراهیم میگویند.

گفتند: او را در برابر دیدگان مردم قرار دهید تا مردم شهادت دهند. گفتند: ای ابراهیم آیاتو با خدایان ما چنین کردی؟ گفت: بلکه بت بزرگ این کار را کرده، از آنان بپرسید اگر سخن میگویند. پس بخود باز آمدند و گفتند شما ستمکار هستید. پس سرهای آنان پائین آمد و سر بزرگ شدند و گفتند: تو میدانی که اینها نمیتوانند سخن بگویند. ابراهیم گفت آیا جز خدا چیزی را میپرستید که نه قادر است نفعی بشما برساند و نه ضرری. افسوس شما و بر آنچه که بجز خدای یکتا میپرستید، آیا هیچ تعقل نمیکنید.

گفتند: او را بسوزانید و خدایان خود را یاری کنید، اگر میخواهید کاری انجام دهید ...

گفتیم: ای آتش سرد باش و سلامت بر ابراهیم ...<sup>۱</sup>

از آیات مذکور چنین نتیجه حاصل میشود که «دین ابراهیم» دارای سه مقصد است:

(۱) تسلیم گشتن بخدای واحد

(۲) مبارزه با شرک و بت پرستی

(۳) تحقیق و مطالعه در قبول عقائد و عدم تقلید از پدر خانواده و مردم.

از نظر قرآن پیغمبر اسلام هم مأمور است، همین روش را انتخاب کند و بگوید که:

«پروردگار من مرا براه راست هدایت کرد، بدین استوار، یعنی کیش ابراهیم حق گرای که از مشرکان نبود. بگو: نماز من و عباداتم و زندگی و مردنم فقط برای خداست که پروردگار جهانیان است و شریک ندارد، من باین دستورها مأمور شده‌ام و من اول مسلمانم»<sup>۲</sup> اگر باتو احتجاج کنند، بگو: من خود و پیروان خود را با امر خدا تسلیم نموده‌ام، و بگو: با اهل کتاب و آنها که اهل کتاب آسمانی و علم

(۱) سورة الانبياء ۶۴، ۵۲: اذ قال لایبه و قومه ما هذه التماثيل التي انتم لها عاكفون . قالوا : وجدنا آباؤنا لها عابدين . قال لقد كنتم اباؤنا في ضلال مبين . قالوا : اجئنا بالحق ام انت من اللاعین؟ قال بل ربکم رب السموات والارض الذي فطرهن وانا على ذالکم من الشاهدين . و قاله لاکیدن اصنامکم بعد ان تولوا مدبرین . فجعلهم جذاذاً الاکبیر الهم لعلهم الیه يرجعون . قالوا . من فعل هذا بالهتانا لمن الظالمین . قالوا : سمعنا قتی ینذکرهم یقال له ابراهیم . قالوا : فأتوا به علی اعین الناس لعلهم یشهدون . قالوا : انت فعلت بالهتانا یا ابراهیم؟ قال بل فعله کبیرهم هذا ، فاسئلوهم ان کانوا ینطقون . فرجعوا الی انفسهم فقالوا انکم انتم الظالمون ...

(۲) سورة الانعام ۶-۱۶۱، ۱۶۳: قل: انی هدینى ربى الى صراط مستقیم دینا قیماً ملة ابراهیم حنیفاً وماکان من الشریکین . قل : ان صلاتی ونسکی ومحیای ومماتى لله رب العالمین . لا شریک له و ذالک امرت وانا اول المسلمین .

نیستند، آیا اسلام را می‌پذیرند اگر پذیرفتند که هدایت شده‌اند و اگر از حق روی گردانند، وظیفه تو فقط تبلیغ است و خدا بحال بندگان بیناست<sup>۱</sup>

تلخیص این آیات در سوره انبیاء است. آنجا که گوید:

«بگو بمن وحی شد که خدای شما خدائی یکتاست، پس آيا شما مسلمان و تسلیم او امرا و هستید»<sup>۲</sup> نتیجه آنکه «هر کس با خلاص بخدارو آورد و نیکوکار باشد، این کس به محکم‌ترین رشته چنگ زده است و پایان کارها بسوی خداست»<sup>۳</sup>

چون مقصود از ایمان بخدای یکتا، نیکوکار شدن مردم است، بنابراین روش تبلیغ اسلام نیز باید بر اساس نیکی باشد. بهمین جهت است که طبق مندرجات قرآن، پیغمبر اسلام از آغاز خود را سرمشق پیروان خویش قرار می‌دهد:

«ای پیغمبر بخوان مردم را بسوی پروردگارت با حکمت و پند و

نصیحت نیکو، و بطریقی سخن گو که بهتر باشد»<sup>۴</sup>

کیست بهتر از آنکه نیکوکار باشد و بگوید من از مسلمانان می‌باشم و مردم را بحق هدایت کند»

هرگز نیکوئی و نیکوکاری یا بدکاری و گناه مساوی نخواهد بود کارهای زشت مردم را به نیکوئی دفع کنید، آنچه بین شما و دشمنانست به رفتار نیک تبدیل نمایند تا دشمنی مبدل بدوستی گردد.

چنان شوید که دوست و نگهبان یکدیگر هستید تا آنها که با تو سرجدال و خصومت دارند شیفته احسان و نیکوئی گردند و بدوستی تو تسلیم شوند»<sup>۵</sup>

در آیات فوق مخصوصاً آیه نخستین، خداوند طبقات گوناگون را با شرائط مختلف دستور دعوت باسلام می‌دهد: خواص را بحکمت - عوام را به پند و نصیحت معاندان را به جدال عقلی و منطق برهانی. گاه علوم انسانی و مطالعات فقهی جدل در این مورد راهنمای عقل و خرد است.

اجرای اوامر الهی و پیروی از نیکوکاری را پیغمبر اسلام باید از خویشتن آغاز کند: چنانکه در سوره مدثر خطاب به حضرت رسول اکرم ص نوشته است:

«از خوابگاه خویش برخیز و مردم را بترسان، پروردگارت را به بزرگی یاد کن، بر کسی منت مگذار، زیاده طلب مباش، بخاطر پروردگارت شکیبائی پیشه ساز.»<sup>۶</sup>

(۱) سوره آل عمران ۲۰۳: فان جاءوك فقل اسلمت وجهي لله ومن تبين و قل، للذين اوتوا الكتاب والاميين اسلمت فان اسلموا فقد اهتدوا وان تولوا انما عليك البلاغ والله بصير بالعباد.  
درباره دین ابراهیم همچنین رجوع شود: بسورة الفرقان ۵۸، ۲۵؛ سوره آل عمران ۸۹، ۳؛ سوره الشوری ۱۲، ۴۲؛ سوره یوسف ۱۲، ۳۹

(۲) سورة الانبياء ۱۰۸، ۲۹: قل انما يوحى الى انما الحكم اله واحد فهل انتم مسلمون؟

(۳) سوره لقمان ۲۲، ۳۱: ومن يسلم وجهه الى الله وهو محسن فقد استمسك بالعروة الوثقى والى الله عاقبة الامور.

(۴) سوره فصلت ۳۴، ۴۱

(۵) سوره نحل ۱۲۶

(۶) سوره مدثر ۱-۸، ۲۴

(۶) سوره فصلت ۳۵

در سوره دیگر پیغمبر اسلام را چنین تعلیم میدهد: «مگر تو را یتیم نیافتیم ماوی و مسکن و منزلت دادیم، مگر تو را گمراه نیافتیم هدایت کردیم، مگر تو را بی چیز نیافتیم و بی نیاز ساختیم، پس بشکرانه این همه نعمتها یتیم را بقهر از خود مران، بینوا و فقیر را محروم مساز، زیرا آنها بمر و محبت امیددارند، از نعمت پروردگارت سخن بگو»<sup>۱</sup>

باین ترتیب پیغمبر اسلام از نظر ایمان و نیکوکاری با سایر مردم تفاوت ندارد، منظور از پیروی از دین اسلام اینست که مردم همگی خود را در مقابل خدا با یکدیگر مساوی بدانند و بجای پیروی از طبقات ممتاز اجتماعی و اربابان گوناگون تنها خدای واحد راستایش کنند و جز خدا کسی را سرور و بزرگ ندانند در نتیجه دارای عقیده و ایمانی واحد گردند.

اسلام دارای سه اصل است: توحید - نبوت - معاد.

توحید یعنی: یکتا دانستن خدا. ایمان باصل توحید بنیاد اسلام است، نبوت و معاد از توحید ناشی میشود، بهمین جهت میتوان این سه اصل را در یک جمله قرار داد: (قولوا لا اله الا الله تفلحوا): بگوئید خدائی جز الله نیست و رستگار شوید. در این عبارت، «الله» خدای یکتای اسلام و نشان توحید اسلامی است. مبلغ این کلام حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله است که عنوان نبوت دارد. نتیجه این گفتار «رستگاری» است که مربوط به معاد است.

ادامه دارد

(۱) سوره ضحی ۱۲۹۳-۷

## تقاضا

از محققان و نویسندگان و شاعران خواستاریم آثار ارزنده خود را که برای چاپ بنامه گوهر میفرستند بیک روی صفحه و بخط خوانا بنویسند و اگر واژه‌های بیگانه با الفبای لاتین دارد آنرا در زیر صفحه و حاشیه بنویسند که در متن الفبای خارجی نباشد. چون هراتر با عکس صاحب آن طبع میشود بنابراین يك عکس نیز باید ضمیمه اثر باشد.

چون نامه گوهر با پست فرستاده میشود خواهشمندیم اگر چند روز پس از آگهی انتشار در روزنامه، نامه نرسید با تلفن شماره ۸۲۳۱۷۵ و یا بوسیله نامه دفتر را آگاه فرمایند.